

جای اداره کسب

میر - غلامین آسمانی

ملک اوقات و مکاتیب

باید عنوان دریل باشد

جنگل

مراد چارنره طبع و توزیع خواهد

مکتب نمره نفت شاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوازم و عطایات
فصلی با قرارداد آرد است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشراک خط نمره در وقت مقرر

قیمت اشراک

کیار ۵۰ هزار

تاریخ یکشنبه نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منظور افکار اسلامیان است

فاجعه عظیمه در اسلام - و علی الاسلام والسلام

بنا به اخبارات واصله تشون انگلیس دستور کلا دستون را امر در مومع اجرا کرده است که تحف اشرف و محاصره کرده
 باشم تشیب عطیه عرب کنبند و مرقد مطهر حضرت مولی الموالی امیر المومنین علیه السلام را بتوبست در محاصره
 سلام آقا سید علی که از عماید اسلام و مرجع تقلید مسلمین است باز زد. بطور کلی این خبر پارسیده هنوز جزئیات
 استحصاری نداریم. اینک بایک دنیا الم و اندوه میگویم:

ایرانی میر که حق حیات نداری، ایرانی محو شو که سر او از زندگی نیستی، ایرانی معدوم شو که در خود احدی
 ایرانی نیست باش که شایسته نیستی هستی.

ای ایرانی ای مردم و اقوام و ملل سایر ای ایرانی ای اربل ام ای ایرانی ای لایق اسارت و بندگی
 پایمال باش که حق این است پایمال سوی زیران دین داری نه غیرت نه شرف داری زادت رس میشد
 حرم مقدس سلطان خراسان را بتوبست ساکت اندید بجز این بی حتی و لاقیدی بنور هم گرفتار قتل و غارت
 و محط و غلامید.

اینک انگلیس مرقد مطهر شاه ولایت را بمبارده کرده و بمهد مرجع تقلید را بدزدوده از هم و بخود انکرت
 و خودگی خرده آید. این دفعه هم در مقام قصاص بر نیامده و تحریک نشود و میدانیم که اید از تحریک نخواهید شد
 بی شبهه با جمال شباب بدرکات قاپرتاب خواهید شد باید هم بشوید. چرا؟

بلی که ناموس و غیرت و همه مقدسات الهیه را بخرود حق بفرود شد غنی که اعتبار و حیثیت خود و همه
 حقایق دینی را باندک رشوه بیاد و بد چنین طتی باید نابود شود باید مدفن پاک نیاکان ما از لوث وجود
 این مردم ناپاک نمره گردد.

ای ایران ای موجود نام آوران ای بنگاه در این بگر که جا بگاه تو را چه ناکانی است کن گنبد امان
 اسلام ای شیران حافظ دیانت لحظه سراز خاک برداشته متوجه باشید که چگونه کجاست بید میانی که دیانت

معموم ایالات و ولایات و ایلات و
عشایر ایران .

پلیک و سیاست خارجه دولت انگلستان
نیت بایران از سالیان دراز تا کنون ز بطوری بود
که جوان بعد از این احتمال بوضعهای صافه فایده نکراد
در باره ایران وادو بواسطه همان اسلوب سیاست
سابقه دولت مشارالیه در مملکت ما انواع مذخلات
استقلال شکن از قبیل تأسیس پلیس جنوب و غیره که
شرح و تعداد آن لطاب طالت آورست نموده

و با وجودی که کلمه عالم صدای رسای خود را در
حلقه استقلال و آزادی و عدم الحاق نیت به مملکت
و دولت ملت بلند کرده و مخصوصاً مملکت ایران
نموده که تازه کی از فشار رژیم سابق دولت مقتدره
روس (دستار دولت انگلیس) خلاص شده
بخواهد نفسی بر حتی بکشد و خود را آرائی نموده بوحیات
سعادت و ترقی و تعالی خود را فراهم و شرف تاریخی
خود را زنده و حلقه سازد و وزیر را قبولت و آ
سیاستی احدی از اجانب نباشد و رشد سیاسی خود را
بهره ببرد و ظهور یابد .

بازیم دولت انگلیس فقیر رویت بد خود را
از نظر فراموش کرده بلکه پلیس جنوب که سهل است
بجای تأسیس پلیس در صفحات دیگر حتی نهال افتاد
و برای نمونه و خیالات دیگر حده از نظایان خود را
با تو بیل از این خط عبور داده و اگر چه فدایان
اقتراضات خود را بمقامات لازمه البلاغ و در صورت
عدم انصراف اولیای دولت مشارالیه از به گونه
تقصیحات فایده براندازنده اصعب بانصیحات ناچار فدایان
بر حسب وظیفه اسلاطنت ویرانیت در مقام دفاع

اعلامیه زبانی که فرار داده اند خود را یادگار اطلاق نامی
میکنند ای ایرانی ای مصدق حقیق حدیث شریف
سیاقی زمانا علی شیخی وینم و ما یریم و خلیتم تا هم
تف بر شما ، اف بر شما

ای بزرگان . ای اشراف . ای نجبران . ای
کارگران ای ایلات وای عشایر ای علما ، وای امرای
انگلیس نه شما مملکت شمارا می بلعد بلکه تمام اعتبارات
دینی و مقدسات دینی شمارا که کوب کرده معبد
بزرگ و مرتقدایم بزرگوار شمارا بچوب نیت دیگر چرا
ساکتید و چگونه آرامید .

بزار افسوس میدانم که ناله های مانی اشریت
کابوس میخیزی و بختی بقدری با ایرانی مسلط است که باین
نوا و آواز از افنده بخش نخواهند کرد

ما این آهنگ آینه خسته با اندوه و سوگواری عموم مسلمانان
خاندان مسلمانان ناهای ایرانی را متوجه سافه و میگویم .

که ما وطن درین خود را دوست داشته و در این وقت
این مظلوم انگلیس دشمن اسلام از پای نخواهیم کشید
ما وظیفه خود را در میان کرده ایرانی ادا میکنیم .

شما بشید بانی دیانتی و بختی و اخلاص مرعوب
صدای کندی رنگ در دنبال شماست دست از گریبان
شما بر نخواهد داشت .

عظم الله احوالکم
بناتبت ایام رحمت ناموس کبرای الهی
حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و برای این
محیبت ثانی که از مظلوم انگلیس ببار روی داده مردم
مسلمانان را عزت میکنیم

ملکراف
سحر المال

ایستاده و تا آخرین توانی خود مقاومت خواهند کرد
 لیکن چون مشارالیه از این قبیل اقدامات و سایر نقاط
 ایران مشغول و نیز با کابینه حاضر و داخل در مذاکراتی است
 که ابد معلوم نیست مفید بحال ایران و منفعت مملکت
 ما باشد و اگر چه هرگونه قرارداد در غیاب مجلس
 مقدس شورای ملی بی اثر خواهد بود لیکن لازم است
 مسلمانان و علاقه مندان با قیمت وطن با این
 تبلیغات بیخانه خود را مقنن اعتراض با اقدامات فوق
 بخاکهای مبارک اعطی حضرت اقدس ملوکانه سلطان
 احمد شاه قاجار خداوند ملکه و بهیت و ذری عظام
 و سایر مواضع لازم برسانند و آنچه لازمه فکر کار
 و حس ایران دوستی است ایشان نمایند حضرت و
 امارت دولت و صحن و سستی ناکی ...

این الله لا یغیر ما بقوم حتی ینزلنا بهم
 بسیار بسیار بوقوع است اگر با دلی روشن و بی
 و غرضی سخت محکم قیام بوظایف اقامت و سلامت
 و ایرایت و استقلال وطن خودمان نمایند
 پس لانسان الا ماضی بدت من تحت نیک است
 اگر به جویم نیک احتریم به بیدار و بیدارگر نگرویم
 که مانده و اگر دادیم .

بیت اتحاد اسلام
 تنها دشمن
 عنوان فوق بالطبع نظر بر ایران خواهی و بخود
 طلب و هر وطن پرستی فطرت است که (شهادت)
 معرفی شود و ایرانی او را بشناسند .
 اینک معرفی میکنیم ولی بشرط اینکه ایرانی اول
 باشد و دستیکه شافت بوزن معرفت خود عمل
 کند .

این نهاد دشمن کیت ؛ انگلیس این کیکه خصوص
 اختصاصی با ایرانی و ایران ندارد دشمن نوع خصم
 هستی تمام ملل است .
 روز هجرت و میدان این ملت روز سلب آبی است
 دنیا بوده و کدام ملت و مملکت است که از پیش زهر
 آلود این موزی سهم و قسمت تلخ و کشنده خود را
 برده است .

حادث و حوصش قابل ضرب المثل شدن تجار
 و تعذیبات او را باید باطنهای خونین در سینه تاریخ نگار
 ثبت و ضبط کرد .

آخرین خیانت نسبت بعالم بشریت بر پا کردن
 این جنگ عمومی و این بلاهای سهمین است که از روی
 حادثات ترقیات اقتصادی آلمان دنیا را برای
 خون کرد و منجر است آن را نیز مانند پر فعال بلند
 و مسیاتی و فواید از میدان کلبت بیرون کند .
 تاریخ نویسی لازم نیست و باید بر وجهی با وضع
 کنونی ایران و حوادث چندین ساله او کرده و در
 که از دست و بیاد ملت بریتانی چه بر سر این مملکت
 آمده است .

از چند سال قبل در انگلیس با بار و ابله پیدا کرده تا
 کتون جوید نخنی و خمارت چیز دیگری طلب مانده
 و به نسبت خوارانیکه ما بردیم استفادات غیر قابل
 انکار کرده و باید آ پاس آنچه مساعدت ما بقدر
 موافی مذکور .

تا پیون بنا بارت برای مرقم مساعدت مادی و معنوی
 با این حاضر شد و اگر فصلی شاه انگلیس با ابرج بنیاد
 از کجا معلوم که از آن تاریخ نظام جدید بنیاد شیم ولی بر
 از فرانسه برده و با این مبارزه بی منتقت بود .

از تاینج که دست استیلای غاصبان خود را بر هند گذاشت
 جهان نبتی که بقای هندوستان علاقه مند بود و نجات
 نبت طالب ماندن ایران شد و در قرن اخیر که تمام
 خرابه های دنیا بسرعت برق رو برتی گذاشتند
 ایران این معدن مستعد آبادانی این مرکز یک
 قسمت هم دنیای قدیم از اثر دسایس انگلیس چرا
 و دیرانه بالاخره برای نمونه زندگانی عهد حضرت
 آدم ابوالبشر ماند.

ایران برای چه بی راه آهن ماند ؟
 برای اینکه انگلیس باروس رقابت و شت و یحوا
 یک صومالی غیر قابل عبوری در وسط هند و روس
 باشد آیا بی راه بودن و وسایل حمل و نقل در آن
 برای یک ملکتی کم مضر است ؟
 مرکزیت دولت ایران بدست کدام دشمن بیوم
 خورد ؟

بدست انگلیس و او اول دولتی است که با ایلات
 و عشایر ایران داخل مذاکرات و معاهدات جداگانه
 و بد لگرمی خود دولت ایران را در نظر روسای عشایر
 غیر موثر نشان داد.
 مستطه بحرین حق ضابطه خلع فارس و غیره
 بواسطه انگلیس از دست رفت.

انگلیس بهیچوقت راضی به قدرت و قوت دولت
 ایران نبود و همیشه حکومت طهران را دست خوش
 ارادات جاننشین هندوستان میخواست.
 اینها همه تاسخ اظهار دوستی انگلیس است با ما
 یعنی ده سال قبل که منور روس تقریب نخبه بود
 ولی از ده سال باطرف که در حقیقت مدت فارت
 هستی ایران است تا نشان کند که انگلیس مستقیماً غیر منقسم

یعنی بدست دولت مستبده روس چه بر سر ایران
 آورده است ؟

توتال تقسیم ایران بدو قسمت تمام دو منطقه تقویت
 ثانیاً برده ها اجازه دادن و تسویح کردن به
 گونه مداخلات غیر مشروع و خود بعد از روس اجرای
 همان معاملات در منطقه خوش.

ثالثاً شناساندن معاهده ۱۹۰۷ یعنی تقسیم
 ایران در بار طهران.

رابعاً روسها را برای رضایت خاطر در بار تزاری
 و فرانسه در امور ایران خود سر و پله گذاشتن
 آیا مجلس دوم و تجلیل مواد او تنها توهم فطاری
 روسها بود ؟ خیر مؤسس انگلیس بوده ؟
 باور دارید کتاب نارنجی رجوع کنید و میباید
 که سراد و اردگری به سازانف و تکراف میکند
 و (با کلمه رنگی) به بطور و کردار چه مخابراتی دارد ؟!

بعد از او تنها توهم پشرفت روسها حمل توبه انگلیسها
 شد و برای اینکه از افکار عمومی مسلمانان سدی
 مقابل پشرفت روس بطرف هند باشد بدست
 انگلیس فجاج آند با بجان و مشهد خاطر است
 بس سگین و سنگین بیادگار در تاریخ اسلام
 ایران گذاشت و این اثنا جنگ عمومی شروع
 شد و لوقت نهایت وضوح پرده خصوص
 انگلیس و ایران بالادقت به نتیجه های این دوره
 که خود بچشم دید ایم و چندی گذشته که در این
 کنیم

حالا چه میکند
 تاکنون می سبک کرد که مقدم تمام مظالم او در این باشد
 و حالا که روس پس استبداد او از میان رفته و ناصر

برای الت شدن انگلیس نسبت خودش میخواهد که
 نازمیدان مظالم باشد و شده است عجز از نظر
 از خوف انانیت پروری بلوکیها سعی میکند که
 فنون روس از ایران خارج شود و از طرف
 بواسطه اینکه میخواهد سنگر بگردد به استعجابی
 روسها را بگیرد و بالاخره میخواهد تمام انگلیس جنوب
 شود هم روس شمال ببلاده این ظلم آزاده
 مایل است که دست بقفاز انداخته در آلمان و
 ایرازا که ممکن است از طرف آلمان باشد شده
 ولی صیحات، صیحات! هم در قفقاز و هم
 در عرب و مرکز ایران ترانها بنگ خورده و
 حواله خورد و علامت عدم موفقیت کار است
 و خود انگلیسها نمیدانند و نام هر وقت مقصی شد
 حواهم نوشت.

اینک بعد از تمام مرتب مگویم: ایرانیها
 همدید که تنها دشمن شما انگلیس است؟
 آیا تصدیق دارید که این حیوان بگری میخواهد
 ما را بدرد و ببلعد؟

آیا دشمن دین و دنیای خودتان را شناختید
 پس چرا آرام گرفته اید! چرا آسوده نشسته
 قسم بمقدنات الهی که اگر ایرانی سربک بقدر
 نصف قوه خود برای مدفعه حاضر شود و صفحی
 ایران از لوٹ و چو و کیف تمام دشمنها پاک و
 ایران از آن ایرانیها خواهد شد.

قابل توجه نیست محترم دولت
 مسویرادین سفیر دولت بالتوئیک مدتی است در
 طهران مقیم و گویا دولت ایران میخواهد در برسمیت
 تمام تصدیق نموده.

این سیاست بیرویه جالب حیرت است اگر
 ولیمان این باشد که دولت بالتوئیک هنوز
 متوقف شده پس دولت سابقه که ابداً وجود ندارد
 چرا سفیرش برسمیت می شناسید.

سفیر بلژیک معدوم دارای برسمیت است سفیر
 رومانی همچنین سفیر دولت منهدم شده رومانی
 بکذا ولی سفیر بالتوئیک که امروز دولت صحنی
 دارد پذیرفته نمیشود چرا برای اینکه دولت
 انگلیس مایل نیست و سفیر بالتوئیک برای الحاق
 معاهدات و فتح امتیازات بشود آمده و اینهم
 منافی با سیادت بزرگان امروزه مملکت است
 اگر دولت انگلیس مایل است مسویرادین بود
 بلاشبهه تاکنون برسمیت شناخته میشد.

ما از کابینه نجات که همان یگانه امید ایرانیها است
 منظریم که سفیر بلژیک برسمیت شناخته و مسویرادین
 این خواستای ایران خراب کن دولت انگلیس
 را رعایت نمایند و باین مسئله اساسی بطرفی
 ما را مترا گلفند زیرا پذیرفتن سفیر بالتوئیک
 دلیل تجاوز برف انگلیس و اینهم منافی بطرفی ایران است.

مقالات که یکی از دل سوختگان جنوب دارد
 مرستاد هم برحب و طیفه و برای اطلاعی که از
 سو زول نویسنده آن داریم بدون حرج و تعدیل
 عیناً درج نمودم و از عناصر صالحه مرکز که بدون
 شبهه از نوع سخن نگارنده خارجند معتد به سخنانیم
 بنام جنوب ایران

طهران - و انتظار ما
 افق جنوب ایران را یک برطلانی و بیشت نکی فرا گرفته

سرنا سر این مملکت را بصواعق آتشبار تمدید نماید!
 پنجه های سبغانه همایه جنوبی که از قدیم دستکشی نرم
 و ملایم خود داشته بود اینک غلاف را زداخته و سخت گوی
 خوب ایاز گرفته و با تمام قوت آن قیمت هم ایاز افشار
 قویش خود را آورده و کسان کسان بندهش میخاند.
 نظری با وضاع خوب و نگاهی بعاقبت خویش دل
 بر ایرانی حساس روبرو آورده و پیش از همه سکوت و
 لاقیدی مرکزبان و عدم اطلاع ایرانیان بوجبات آتش
 و پیران را فراموش میاورد!
 مسلم است که در آغاز سکه طهران مخاصم بیرون بود
 هر است بویج متوجه آنهاست و: از حوش نیست و عادت
 در ترقی این مملکت مدعی خط لایقین اند!
 با آنکه کی خود جوان است و لاک نمود که تمام لطافت طرد
 بر ایران، ناشی از عیاشی و تن پروری و لاقیدی ملتزبان
 و خیانت همی از وطن فرودشان دنی الطعم است که
 این مرکز دون پرور آنها را مثل جان عزیز در آغوش گرفته
 و تمام ایاز زاده ای آنان نموده و ایران محبوب را بدین روش
 نشانده است!

طهران فاسته! ای مسئول مهر خرابی
 ددیرانی! ای آمر قتل و غارت و سارت و حریق! ای
 مرکز ظلم و تجاوز! ای مور خیانت و وطن فرودی! ای مؤ
 فراغ و نضر و آلوده! ای موطن سپهسالار و دوثوق ابد
 در حیرت و شگفتی ایرانیان که جام صبرشان لبر زنده است
 اندیشه ما، از منصفت نرزدان و لاری اول و حافظین جرم ما
 بر خود طرز، و از زرش غرور مرکب افقناح را برابر چشم
 خائین و نفروش مثل کن، لاقیدی و عیاشی را که در دیده
 دباخته دوره میشود متبذرت بقیفه خویش جبران ساز
 و ایرانیان را از این آتشبار و بی نظمی و فتنه خرابی بدر آور!
 ایران را بوجود چنین مرکزی عاریت، چه! مملکتی که
 انالی ایالات و ولایاتش یک ملک حاس - خونگرم - و خوش
 و فتح مسلمانرا تسکین میدهد. مکان پایتختش اینگزینش

و تن پرور - خود خواه در دروغگو - غیر ثابت العقیده - بیوفای
 و پول دوست و دورو - برگردم کار که بهر ملک می پاید نبود
 نمیخواهند مگر جهت شخصی، بنیانشند خیر طهران، ایران را تمام
 افتخار و عبادتس بر ساعتی راحت و آسایش بزرگ نموده
 و اگر ایران را آتش فر گرفته و نوا میس مقدمه اش سر اجاب
 گردد! آمان تفریح و خیابانهای برگردد عیار طهران از آتش
 نمیدهند، کوئی از حقیقت بونی شانه آنان نرسیده است
 چه از عالم لفظ قدیمی و اثر بر بندهشته و تهاجمات و عادت
 و تبادول الفاظ قابل و ذکر معیار و نواقص میدانند!
 تمام اتهامات آنها در تحریک و جلب منافع شخصی و تجسس یک یکی
 و لویه تحمل بر سیاست و در کتاب هر روز است و در کوشش هر
 شبی نفسش باشد صرف میشود.
 از بدین کیفیت طهرانی در خارج مرکز و شنیدن آن کلمات
 محسوسه و عبارات قابلی ادبی معقول گفته و تصور میکنند
 که طهران منبع سعادت - مرکز اجاره - ملذذ ترقیات و ترقیات
 و علوم و بالاخره کارخانه آدم سازی و حسن تربیت
 یکقدم بسوی طهران و تمانسانی بلا لایزال تمام این تصور
 از مغرور خارج و قبول نویز گانش یک محله سموم، مرکز وطن
 فردی و خیانت - کرسی بطالت و دون نوازیت.
 سکه طهران بقصری در خیابانهای کثیف خود سرت و
 برضی در دولت مستغرقند که کوئی در فشان از قشون اجنبی
 عالی شده و بویب ترقیات و مملکتشان مفتوح گشته - سرحدشان
 مضبوط و قشون ساغروی آنها منظم - طرق و شوارع امن -
 حکام و خواه عالم و در کنسهای ایالات و ولایات بگومت
 مستقر و منسوب، انجمنهای ولایتی و با ملتشان و نرو
 پارلمانشان مفتوح، آبادی طنین مطهر، منافع مردمی
 آنان از تصرف نیاگران و غایبی خارج و دارای تمام مزایای انحصار
 و سعادتند!!

خدا را انصاف! مملکتی که اینگونه بر زبان -
 استقلالش صد و بجزرات، خویش مورد تفرص و تجاوز
 اجنبی و مالی آن با و بیبر میگازان، حکام و قضایان خائن

بدخواه دست نین اجانب . مایه است صرفی ناکران
 قویش مراتب تکلیف خود را کلاما سیر نموده . اعلی درجه
 صفر رسیده . بهادرش تجزی و تفریب این بیستایی
 انگلیسان مجازد خیالی مایید و حکام مایید و درین موقع
 محلی که باطن اسلام دشمن ایران را در زمانه متفق قدرت امان
 اسلام را برابر اسلامیان رسوخوده . برای ایران معلوم ایران
 ستمیده مجال است و پازدن رسیدن آبا سزاوار است که
 مرکزانش این قسم سرخوش و بالهای پراکنده تفریح کنان
 با بعضی حرکات شرم در دیگر حوض و طول خیابانها از خوشین
 پرکنند .

ایران با ای وطن محبوب ! تو را یک مرکزی در گار است
 که سکنه کن دارای حق اینست بوده نیز مغرور و محقق و خیال باشد
 بر کز می توان امید آورد که المیش شکر بخریک بعضی بوده
 شرافت آزادی و قومیت را بر هر چیز ترجیح داده و با حق نیست
 از حقوق حقه از ناموس و وطن و دیانت خویش دفاع
 نموده و بعضی مانع و با صدی بعضی که از اقوام یک ایرانی
 معلوم و جمله ترین زوایای این مملکت با سعه و بهر علم
 بلند شود هم آواز بوده و برای تحریک حس ملت هر جمع و عصر
 جوانش دست و دست در خیابانها و کوه مای آن لبر روی
 ملی شرم و در این مایک صمیمت و فعالیت با تمام وظیفه محلی
 پارلمانس بودگهای حماس و شیرت شخون جزلش از خوش
 و زود غالی و از مطالب علمی بعضی . حتی . تجملی را دینی
 و ... با مملکت سقیم تقویت و پول ملت تا سببس و از مطالب
 و فعالیتش همس نهادی عام الشعبی بهره نباشد .

آری مرکزیک مملکت باید خادوین را و حکم و تسوین نموده
 خائین را به پیش پای نباشد .
 مرکزیک مملکت باید خد شکر از همه خوب بخدمت نموده
 و وطن خردش را ترک گوید .
 مرکزیک مملکت باید روابط خود را با تمام ایالات و ولایات
 محکم نماید .
 مرکزیک مملکت باید اجبا تمامی نقاطی زوایای مملکت را
 تحصیل نموده در حال امان بی اطلاع نباشد

مرکزیک مملکت نباید راضی بشود که ستمخانه و مملکتها این
 بدست اجنبیان اداره شود ، و آنان اخبار استوار شده بجا بود
 خود میسرسانند از اینر و بدخواه در لطف مملکت او امانت نخر
 نموده و مرکزیک بی اطلاع میگردد .

سکنه یک مملکت باید غیرت و شجاعت و وطنپرایی و مملکتپرایی
 اندر مرکز خود رس بگیرد ، تا آنکه بدخلاتی - نفاق - رسالت -
 سرزبری برابر دشمن از مرکز آنها سرات کند .
 از مرکزیک مملکت باید علم و معارف - و حقایق متنی و معنایی
 معاطد دور و نزدیک نرس کند ، نه تحریکات فاشانه و اشارت
 وطن فروشانه و اشارات استقلال بر بوده و راه نمایه های
 بیان کن در ترویج و آشناء اخلاقات !

قشون جنوب باید از اقدامات و تحریکات مرکزیان هم دست
 باشد ، ای که اغفال و زراه مکی بوده و با لاف و باغوا ، خرم لاف
 در حال تقصد وطن فراموش با بر ، مقصود کامیاب تجا و در
 خود را محکم نماید .

فرمانروا و بهر خائن باید از مرکز چشم رده و موحاب تسلط
 بیگانگان را خراب نماید و در آنکه جوید با و وعده با و ظلمت
 چند تقری از کوه نظران و کالت طلب را زوفیه و در شکم
 معبودی معتمدس لازم ساخته و ریش بد و نند !!!

در مرکزیک مملکت باید سببین سخائین یعنی اولاد و مانع
 و سرور نصرت و مایادی سازه . انگت نما و سرزیر از اقدامات در خوش
 تقو و سیرا بوده سترکی بچویند ، تا آنکه با ستمپار اجنبیان با سرتنگی
 میاید مردم قدم زده و از حرکات فاشانه او ایبا خود دفاع نموده
 ملاده حکومت تقاطد دیگر و بجهده ای همه منصوب کردند .

در مرکزیک مملکت اشخاصیکه با لبره بجانه فراموش حکومت را
 امضا و با متهای شیرینی و تقویت اجانب بدل عهد نموده اند
 قبیل و ملوک الدوله و سپهسالار که قشون جنوب را تقویت نمودند
 انگلیت از ابا موسس وطن دراز کرده اند نباید فرست و آنرا
 خاطر زنگانی نموده ، تا آنکه از فراموشکاری و ملحدات ستری
 مرکزیکان در مانی بخمال وزارت افتاده و بر علیه یک گایض
 بزرگ و نه تحریکات بنامند !
 لای مرکزیک باید از راه قدر دانی و نقطه نظر تسوین خود مین با

سرافراز و بنام شهید، و محمولین در راه وطن - در راه - و آماجانه ها
روزنامه ها - تأسیس نموده و مجریه آنها را در میدان آزادی تهران
عمومی نصب بر زیر آن مجریه ها خطاب به میهنی و میهنی داده و مالیه این
و حب وطن تحریک نمایند.

ولی بد بخانه و مع لاف در شهر طهران از اینگونه نرایا اسم
درسی نبوده و ایش با این مطالب وقتی نهاده و محمولین این
بهدردی نموده و بد آن فکر خوب اسیر یعنی ایران قدیمی وضع
افکار ایرانیان نمی باشد!

ما جوانان اداره لا بدیم که بسیده آن نامه شریفه
مای مظلومان خود را بکوش برادران وطنی خود رسانیده و آنها را
بهدردی خوانده و مخصوصاً جراند آذربایجان خراسان -
کردین - گرانسان را هم آواز نموده از ایرانیان وطن پرست
استاد و وز عوالم و جنبه هموطنان استرام نامیم.

جمهورستان! استخوانهای جسد پور در زیر
پای اسپهالی اجنبی استغاثه نمائید.

جمهورستان! نامه جوانان اسیر و مجروحانی
غارت شده، گریه مادران جوان کشته و بچه های یتیم،
تاکنون مرکز را بر سر غیرت جا درده در آلمان اثری نمود
است!

جمهورستان شمالی! شما از قید سارت و تجاوری
نجات یافته و بشکریه این مومنت بحال برادران خوبی
اسیر رفت نموده و بیایمان بهردی کنید!

جمهورستان! اوضاع جنوب رقت آور و در جواب
وقت است انگلیس در جنوب با استحکام خویش کوشیده
و بدست غارتگر مرکز به مال خود کامیاب همزدین را بر کوه
داده و تقوض خود را به عضو پاک ایرانی شیخ صفیخان -
را از خضرخان و ناصر دیوان برنده شده و آن مجاهدین
بسی همت و غیرت و وطن پرستی شما امیدوار و بیاطین
اسلام سطر اند، پر شامت که موجدات پیشگرمی آنها را فراموش
در ارض نشود ز آلمان به طور انگلیس با مال خود مائل گردند
... اعضا، محفوظ -

اعلان

نمره - ۲۹۷۵

بموم مالی گیلان نظر بانکه از اتهام هیت اتحاد اسلام در ظل
دولت علیه ایران ادارات از حکومتی و اینده و نظمه و مالیه و غیره
که مبرج نظلمات است در رشت و مضافات تشکیل شده
که با جدیت و فعالیت و وظایف خود بدون ملاحظه عملاً
استحال و اوند بعد الیوم ما را از قبول عراض خود معاف
دانست تا اوقات عزیز ما در مضافات موجدات استقلال ایران
در فعالیت عموم ملت مصروف کرد و در مظار جواب از
عواض خود که مبرج آنها ادارات است از طرف هیت نباشد
- هیت اتحاد اسلام -

اعلان

کلیه املاک و اراضی و خانه و دانه در محل سرخسینده و
کنار آب صیقلان و شال کو که فعلاً در دست کار ملائی میرزا
احمد ولد مرحوم حاج علی محمد آریلی است موافق اسناد معتبره
یک طلق یک پسراد آقا غلام حسین و یک دختر و متعلقه
آقا میرزا محمد علی خان پیر بازاری است که این دو نفر مالک
مانند سالهاست که به آقا کار ملائی میرزا احمد عاریه است
هر کس هر نوع معامله در املاک و خانه مرقومه با مشارالیه نمود
و بنا به از درجه اعتبار است و هر کس هم نسبت به
و خانه مزبور حرجی داشته باشد باید بصاحبان مذکور اطلاع
کند - پیر بازاری -

تقریظ

جریده شریفه آذربایجان و فرودین از افق مطبوعات ماکو
وارومیه طالع کشته موفقیات مدبر و کارکنان آلمان را که
مقصودشان ترقی ایران و ایرانیان است از حد فزاید ملت میماند

درخواست

بمات چهار و پنج جنگل لازم گردیده هر کس داشته باشد
در رشت رسته علاقه مند با معازره آقا میرزا جعفر نجفانی بد
قیس را شماره یکفران دریافت دارد.
از سایر ولایات با هیت فرستاده در عرض قیمت و
اجرت هیت تبر فرستاده میبود از طرف دفتر اداره جنگل